

تفسیر راستین

ترجمہ تیسیر الکریم الرحمن

جلد اول. دوم و سوم

تألیف:

علامہ شیخ عبدالرحمن بن ناصر السعدی «رحمہ اللہ»

متوفای ۱۳۷۶ ہجری قمری (۱۳۳۴ ہجری شمسی)

ترجمہ:

محمد گل گمشادزی

فهرست

- مقدمه شیخ محمد بن صالح العثیمین ۱
- مقدمه مولف ۳
- تفسیر سوره فاتحه ۷
- تفسیر سوره بقره ۱۱
- تفسیر سوره آل عمران ۲۷۷
- تفسیر سوره نساء ۳۸۴
- تفسیر سوره مائده ۵۶۷
- تفسیر سوره انعام ۶۷۹
- تفسیر سوره اعراف ۷۹۴
- تفسیر سوره ی انفال ۹۱۴
- تفسیر سوره توبه ۹۶۰
- تفسیر سوره ی یونس ۱۰۵۸
- تفسیر سوره هود ۱۱۱۹
- سوره یوسف ۱۱۷۶
- تفسیر سوره رعد ۱۲۳۸
- تفسیر سوره ابراهیم ۱۲۶۹
- تفسیر سوره حجر ۱۲۹۷
- تفسیر سوره نحل ۱۳۱۹
- تفسیر سوره اسراء ۱۳۷۷
- تفسیر سوره کهف ۱۴۳۰
- تفسیر سوره مریم ۱۴۹۵
- تفسیر سوره طه ۱۵۳۶
- تفسیر سوره انبیاء ۱۵۹۰
- تفسیر سوره ی حج ۱۶۳۹
- تفسیر سوره ی مؤمنون ۱۶۸۷
- تفسیر سوره ی نور ۱۷۳۱

۱۷۸۲.....	تفسیر سوره ی فرقان.....
۱۸۲۰.....	تفسیر سوره ی شعراء.....
۱۸۶۵.....	تفسیر سوره ی نمل.....
۱۹۰۲.....	تفسیر سوره ی قصص.....
۱۹۵۲.....	تفسیر سوره ی عنکبوت.....
۱۹۸۸.....	تفسیر سوره ی روم.....
۲۰۲۰.....	تفسیر سوره ی لقمان.....
۲۰۴۴.....	تفسیر سوره ی سجده.....
۲۰۵۹.....	تفسیر سوره ی احزاب.....
۲۱۱۴.....	تفسیر سوره ی سبأ.....
۲۱۴۹.....	تفسیر سوره ی فاطر.....
۲۱۷۸.....	تفسیر سوره ی یاسین.....
۲۲۰۷.....	تفسیر سوره ی صافات.....
۲۲۴۲.....	تفسیر سوره ی صاد.....
۲۲۷۳.....	تفسیر سوره ی زمر.....
۲۳۲۲.....	تفسیر سوره غافر.....
۲۳۶۹.....	تفسیر سوره ی فصلت.....
۲۳۹۸.....	تفسیر سوره ی شوری.....
۲۴۳۳.....	تفسیر سوره ی زخرف.....
۲۴۶۶.....	تفسیر سوره ی دخان.....
۲۴۷۹.....	تفسیر سوره ی جاثیه.....
۲۴۹۴.....	تفسیر سوره ی أحقاف.....
۲۵۱۵.....	تفسیر سوره ی محمد.....
۲۵۳۹.....	تفسیر سوره ی فتح.....
۲۵۶۶.....	تفسیر سوره حجرات.....
۲۵۸۰.....	تفسیر سوره ی قاف.....
۲۵۹۵.....	تفسیر سوره ی ذاریات.....
۲۶۱۳.....	تفسیر سوره ی طور.....

۲۶۲۸.....	تفسیر سوره ی نجم
۲۶۴۵.....	تفسیر سوره قمر
۲۶۶۰.....	تفسیر سوره ی رحمن
۲۶۷۶.....	تفسیر سوره ی واقعه
۲۶۹۳.....	تفسیر سوره ی حدید
۲۷۱۴.....	تفسیر سوره ی مجادله
۲۷۲۹.....	تفسیر سوره ی حشر
۲۷۴۹.....	تفسیر سوره ی ممتحنه
۲۷۶۲.....	تفسیر سوره صف
۲۷۷۲.....	تفسیر سوره ی جمعه
۲۷۷۹.....	تفسیر سوره ی منافقان
۲۷۸۶.....	تفسیر سوره ی تغابن
۲۷۹۸.....	تفسیر سوره ی طلاق
۲۸۰۹.....	تفسیر سوره ی تحریم
۲۸۱۸.....	تفسیر سوره ی ملک
۲۸۳۰.....	تفسیر سوره ی قلم
۲۸۴۳.....	تفسیر سوره ی حاقه
۲۸۵۴.....	تفسیر سوره ی معارج
۲۸۶۴.....	تفسیر سوره ی نوح
۲۸۷۲.....	تفسیر سوره ی جن
۲۸۸۲.....	تفسیر سوره ی مزمل
۲۸۹۰.....	تفسیر سوره ی مدثر
۲۹۰۱.....	تفسیر سوره ی قیامه
۲۹۰۹.....	تفسیر سوره ی انسان
۲۹۱۹.....	تفسیر سوره ی مرسلات
۲۹۲۷.....	تفسیر سوره ی نبأ
۲۹۳۵.....	تفسیر سوره ی نازعات
۲۹۴۳.....	تفسیر سوره ی عبس

۲۹۴۸.....	تفسیر سوره ی تکویر
۲۹۵۴.....	تفسیر سوره ی انفطار
۲۹۵۷.....	تفسیر سوره ی مطفین
۲۹۶۴.....	تفسیر سوره ی إنشاق
۲۹۶۸.....	تفسیر سوره ی بروج
۲۹۷۴.....	تفسیر سوره ی طارق
۲۹۷۷.....	تفسیر سوره ی أعلی
۲۹۸۱.....	تفسیر سوره ی غاشیه
۲۹۸۶.....	تفسیر سوره ی فجر
۲۹۹۲.....	تفسیر سوره ی بلد
۲۹۹۶.....	تفسیر سوره ی شمس
۲۹۹۹.....	تفسیر سوره ی لیل
۳۰۰۳.....	تفسیر سوره ی ضحی
۳۰۰۶.....	تفسیر سوره ی شرح
۳۰۰۸.....	تفسیر سوره ی تین
۳۰۱۰.....	تفسیر سوره ی علق
۳۰۱۳.....	تفسیر سوره ی قدر
۳۰۱۵.....	تفسیر سوره ی بینه
۳۰۱۸.....	تفسیر سوره ی زلزله
۳۰۲۰.....	تفسیر سوره ی عادیات
۳۰۲۳.....	تفسیر سوره ی قارعه
۳۰۲۵.....	تفسیر سوره ی تکاثر
۳۰۲۷.....	تفسیر سوره ی عصر
۳۰۲۹.....	تفسیر سوره ی همزه
۳۰۳۱.....	تفسیر سوره ی فیل
۳۰۳۲.....	تفسیر سوره ی قریش
۳۰۳۳.....	تفسیر سوره ی ماعون
۳۰۳۵.....	تفسیر سوره ی کوثر

- ۳۰۳۶.....تفسیر سوره ی کافرون
- ۳۰۳۷.....تفسیر سوره ی نصر
- ۳۰۳۹.....تفسیر سوره ی مسد
- ۳۰۴۱.....تفسیر سوره ی إخلاص
- ۳۰۴۲.....تفسیر سوره ی فلق
- ۳۰۴۳.....تفسیر سوره ی ناس

مقدمه شیخ محمد بن صالح العثیمین

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى نَبِينَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ تَبِعَهُمْ بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

تفسیر شیخ عبدالرحمن بن ناصر السعدی - رحمه الله - « تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان » یکی از بهترین تفسیرهاست، چون ویژگی های زیادی دارد که عبارتند از:

سهولت عبارت و وضوح آن به گونه ای که فرد عالم و دانشمند و نیز فرد کم دانش آن را می فهمند.

از آوردن بحث طولانی که فایده ای جز ضایع کردن وقت و پریشانی فکر خواننده ندارد اجتناب شده است.

از ذکر اختلاف پرهیز شده مگر آن که اختلاف مهمی باشد که باید بیان شود. این ویژگی مهم و مفیدی برای خواننده می باشد که حواس او بر یک چیزی متمرکز خواهد بود.

در تفسیر آیات صفات راه سلف در پیش گرفته شده و بدون تحریف و بدون مخالفت با کلام خدا آیات صفات تفسیر شده اند و این در عقیده بسیار امر مهمی است.

استنباط فواید و احکام و حکمت ها، و این در بعضی از آیات آشکار است مانند آیه وضو در سوره مائده که از آن پنجاه حکم استنباط کرده است. و همان طور که در داستان داود و سلیمان در سوره ص «ص» فواید زیادی استنباط نموده است.

ضمن این که قرآن را تفسیر نموده، صبغه ای تربیتی نیز بدان داده است که خواننده را تربیت می نماید. همان طور که در تفسیر « خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ » در سوره ص «اعراف» مشخص می گردد.

بنابراین به هرکس که می خواهد کتاب های تفسیر را پیش خود داشته باشد توصیه می کنم که کتابخانه او از این تفسیر ارزشمند خالی نباشد.

از خداوند می خواهم که مولف و خواننده را از پاداش آن بهره مند گرداند. بی گمان خداوند بزرگوار و بخشنده است.

و صلی الله علی نبینا محمد و علی آله و اصحابه و من تبعهم باحسان.

محمد بن صالح العثیمین

١٥ / رمضان / ١٤١٦ هـ.ق

مقدمه مولف

شکر و سپاس خداوندی را سزد که قرآن را بر بنده اش نازل کرد؛ قرآنی که جدا کننده ی حلال از حرام، سعادت‌مند از شقی و بدبخت، و حق از باطل است. و ستایش خداوندی را سزاست که در پرتو رحمت و لطف خویش قرآن را بر همه ی مردم و برای پرهیزگاران به طور خاص مایه ی هدایت قرار داده، و آن را رهنمودی گردانده است که مردم را از گمراهی کفر و گناهان و جهالت به سوی ایمان و تقوا و دانش بیرون می آورد.

خداوند قرآن را شفابخش دل‌ها از بیماری‌های شبهات و شهوات گردانده است و به وسیله آن مدارج علم و یقین حاصل می‌گردد. همچنین قرآن شفابخش امراض و دردهای جسمانی است و خداوند خبر داده که به هیچ وجه در قرآن شک و تردیدی نیست چون قرآن را در اخبار و اوامر و نواهی خود خجسته و با برکت نازل کرده که در آن خیر و برکت و دانش فراوان و رازهای شگفت‌انگیز و مطالب والا هست. پس سرچشمه هر برکتی در دنیا و آخرت اقتدا به قرآن و پیروی کردن از آن است و خداوند خبر داده که قرآن تصدیق‌کننده کتاب‌های گذشته است.

و هرآنچه که قرآن به آن گواهی می‌دهد حق است و هر آنچه را که رد می‌کند مردود است، چون قرآن مشتمل بر کتاب‌های گذشته و افزون بر آن هاست. خداوند متعال در مورد قرآن فرموده است: «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ، سُبُلَ السَّلَامِ»، «خداوند به وسیله آن کتاب کسانی را که جویای خوشنودی او هستند به راه‌های امن و امان هدایت می‌نماید.» پس قرآن به سرای بهشت راهنمایی می‌کند و راه رسیدن به بهشت را بیان می‌دارد و مردم را برای در پیش گرفتن راه‌های بهشت تشویق می‌نماید و از راهی که انسان را به سرای رنج‌ها می‌رساند پرده برداشته و از آن برحذر می‌دارد. خداوند در مورد قرآن می‌فرماید: «كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ» «این کتابی است که آیات آن استوار و محکم گردیده، سپس از سوی خداوند حکیم و آگاه تشریح و تبیین شده است.» آیات قرآن را خداوند در نهایت روشنی و استواری قرار داده و با روشن کردن حق و باطل و گمراهی و هدایت به صورت‌های مختلفی آن را بیان و توضیح داده است، چون از جانب خداوند فرزانه آگاه نازل گردیده است و هرچه قرآن می‌گوید راست و حق و

یقین است. و قرآن جز به دادگری و نیکوکاری فرمان نمی دهد و جز از زیان های دینی و دنیوی نهی نمی کند.

و خدوند به قرآن سوگند خورده و آن را «مجید» نامیده است و مجد یعنی گسترده بودن و بزرگ بودن اوصاف، زیرا مفاهیم قرآن گسترده و سترگ می باشند. و خداوند قرآن را «دو الذکر» نامیده یعنی با آن علوم الهی و اخلاق زیبا و کارهای شایسته یادآوری می شود و هرکس که از خدا بترسد از آن اندرز می گیرد. و خداوند متعال می فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» به درستی که ما آن را قرآنی عربی نازل فرموده ایم تا شما خرد ورزید. پس خداوند قرآن را به زبان عربی نازل فرموده تا ما آن را بفهمیم و درک کنیم و به ما امر نموده تا در آن بیندیشیم و فکر کنیم و علوم و دانش های آن را استنباط نمائیم، زیرا اندیشیدن در قرآن کلید هر خیر و خوبی است و به وسیله آن همه ی علوم و اسرار به دست می آیند. پس خداوند را ستایش می کنیم و او را سپاس می گذاریم. خداوندی که کتاب خود را مایه ی هدایت و شفا و رحمت و نور و برکت و مژده برای مسلمان ها گردانده است. وقتی مطالب مذکور را بدانیم خواهیم دانست که هر فرد مکلف برای شناخت مفاهیم قرآن و رهنمون شدن به آن نیاز دارد و بنده باید تمام تلاش خود را برای آموختن و فهمیدن معانی قرآن با نزدیک ترین وسیله ای که آدمی را به آن می رساند مبذول دارد.

ائمه ی دین تفسیرهای زیادی بر کتاب خداوند نگاشته اند برخی تفسیرهای طولانی هستند که در بیشتر حجت های خود از موضوع خارج شده اند و برخی در پرداختن به موضوع مورد نظر کوتاهی ورزیده اند و فقط به حل و معنی کردن بعضی کلمات اکتفا نموده اند و آنچه که در این باره شایسته است این است که معنی هدف باشد و کلمه وسیله ای برای رسیدن به هدف. پس باید به سیاق کلام و آنچه کلام برای آن آورده شده نگاه شود و بین آن و همانند آن در جایی دیگر مقایسه صورت گیرد. و باید دانست که این قرآن برای هدایت همه ی مردم عالم و جاهل، شهری و روستایی، فرستاده و آورده شده است. تامل در سیاق آیات و دانستن حالات پیامبر و سیره ی او و دوستان و دشمنانش در زمان نزول آیات بزرگترین عاملی است که در راستای شناخت و فهم منظور و مراد آیات می توان از آنها کمک گرفت. به خصوص اگر شناخت و دانستن انواع علوم عربی را به این اضافه کنیم. و هرکس موفق به چنین

مهمی شود، چیزی بر وی باقی نمی ماند جز این که بر فهم و تدبر آن روی آورد و در الفاظ و معانی و لوازمات و مضامین آن، و آنچه که آیات به طریق منطوق و مفهوم بر آن دلالت می نماید، فراوان اندیشه کند.

پس هرگاه در این مورد کسی تلاش کند باید دانست که پروردگار از بنده اش بزرگوارتر و بخشنده تر است و قطعا از علوم و دانش های خود چیزهایی را به روی او خواهد گشود که او خودش نمی تواند به دست بیاورد. و از آن جا که خداوند بر من و برادرانم منت گذرد که به کتاب او- برحسب حالت خود- مشغول شویم دوست داشتم آنچه در توان داشتم از معانی کتاب خدا را یادداشت کنم تا برای طالبان حق مایه ی یادآوری باشد. نیز وسیله ای باشد برای کسانی که می خواهند درک کنند و کمکی باشد برای آنانی که راه فهمیدن قرآن را در پیش گرفته اند. از این رو از ترس این که مبدا این یادداشت ها از بین برود آن را نوشتم و ثبت کردم و هدف من فقط توضیح مقصود و مراد قرآن بوده است. و به حل و معنی کردن کلمات و الفاظ پیچیده مشغول نشده ام چون مفسران گذشته در این زمینه به اندازه ی کافی کار کرده اند و نیاز در این زمینه برآورده ساخته اند. خداوند به آن ها پاداش فراوان و نیک بدهد.

امیدم به خداوند است و بر او توکل می نمایم و از او می طلبم که آنچه را که اراده نموده ام برایم آسان بگرداند. چون اگر خداوند آن را آسان نکند راهی برای به دست آمدن آن نیست و اگر خداوند بنده را کمک نکند راهی برای رسیدن به آرزویش ندارد.

از خداوند می خواهم که این را خالصانه برای خودش بگرداند و نفع و سود آن را فراگیر کند، بی گمان او بخشنده بزرگوار است.

اللهم صل علی محمد و آله و صحبه و سلم تسلیمان کثیرا.

روش من در این تفسیر این بوده که درباره ی هر آیه آنچه را که به ذهنم می رسید بیاورم، و در تفسیر آیاتی که یک معنی دارند و تکرار شده اند به یک بار تفسیر آن بسنده نکرده ام چون خداوند متعال این کتاب(قرآن) را به «مثنائی» یعنی تکرار شده وصف کرده که در آن اخبار، داستانها، احکام و هر آنچه را که نافع باشد بنا به حکمت بالغه ی خود تکرار کرده است. (به همین جهت تفسیر مجدد و مکرر چنین آیاتی، امری ضروری است) و خداوند به تدبیر در تمام آیات امر فرموده است، زیرا تدبیر علم و معارف را بسیار فزونی می بخشد و ظاهر و باطن و تمام شئونات (زندگی) را اصلاح می کند.

تفسیر سوره فاتحه

مکی و ۷ آیه است.

بسم الله الرحمن الرحيم به نام خداوند بخشنده مهربان
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان
است.

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بخشنده مهربان است.

مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ صاحب روز جزا است.

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوییم.

اهدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ما را به راه راست راهنمایی فرما.

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ، نه راه کسانی که بر
آنها خشم گرفته ای و نه راه گمراهان.

«بسم الله» یعنی آغاز می کنم با استعانت از تمام نامهای خداوند متعال، زیرا کلمه

«اسم» مفرد و مضاف است، بنابراین تمام اسماء حسنی را شامل می شود.

«الله» به معنی خداوند و معبود است و از آنجا که خداوند به صفات الوهیت که

صفات کمال هستند متصف می باشد سزاوار است که تنها او پرستش شود. «الرحمن

الرحیم» دو اسم که او تعالی دارای عظمت و رحمت گسترده ای است که هرچیز و هر

موجود زنده ای را در بر می گیرد و خداوند بندگان پرهیزگارش را که از پیامبران

پیروی می کنند، از آن برخوردار می سازد. پس رحمت بیکران خدا شامل حال این

دسته از انسانها است و دیگران فقط بهره ای از آن دارند.

بدان که یکی از قواعدی که سلف و پیشوایان این امت بر آن اتفاق دارند ایمان به

اسماء و صفات الهی و احکام متعلق به صفات است. به طور مثال آنها معتقد بودند

که خداوند «رحمان» و «رحیم» بخشنده و مهربان است. بنابراین همه برکات و نعمت

ها اثری از آثار رحمت او می باشند. آنان در رابطه با سایر اسماء الهی نیز چنین

اعتقادی داشتند. مثلا معتقد بودند که «علیم» به معنی دانا و دارای علم است و هر

چیزی را که می داند، و «قدیر» یعنی خدایی که دارای توانایی است و بر هر چیزی

توانایی دارد.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» حمد یعنی ستایش خداوند به خاطر صفات کمال و افعالی که از سرِ فضل و بزرگواری و یا عدل و دادگری از وی صادر می شود. پس ستایش کامل برای اوست. «رَبُّ الْعَالَمِينَ» رب یعنی پروردگار تمام جهانیان، چرا که خداوند جهان هستی و تمامی موجودات را آفریده و نعمت های فراوانی را در اختیار آنان قرار داده است که اگر آن را از دست بدهند بقا و دوامی برای آنها ممکن نخواهد بود. پس خداوند مربی و پروردگار آنها است، زیرا آنان هر نعمتی را که دارند از جانب خداوند تعالی است. خداوند به دو صورت آفریده هایش را پرورش می دهد، یکی به صورت عام و فراگیر و دیگری به صورت خاص و ویژه. پرورش عام این است که او آفریدگان را آفریده و به آنها روزی داده و آنها را به سوی منافعشان که بقا و حیاتشان به دنیا به آن بستگی دارد، هدایت و راهنمایی کرده است. پرورش خاص نیز عبارت از پرورش اولیاء می باشد، خداوند با ایمان و یقینی که به آنان عطا می کند آنها را پرورش داده و به آنها توفیق می دهد که ایمان بیاورند، و ایمان را برای آنها کامل می گرداند و موانعی را که میان او و آنها حایل است دور می کند. حقیقت این نوع تربیت عبارت است از:

موفق شدن به انجام دادن هر خیر و نیکی و پرهیز نمودن از ارتکاب هر زشتی و بدی. به همین خاطر بیشتر دعاهای پیامبران با کلمه «رب» شروع شده است، زیرا همه خواسته های آنان در چارچوب ربوبیت ویژه خداوند تحقق یافته است، پس فرموده «رَبُّ الْعَالَمِينَ» بیانگر یگانه بودن خداوند در آفریدن و تدبیر امور و اعطای نعمت ها، و بی نیازی او، و نیازمندی تمام جهانیان به او می باشد.

«مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ» مالک کسی است که به صفت ملک و پادشاهی متصف باشد، به همین خاطر امر و نهی نموده و پاداش و سزا می دهد و با زیردستانش هرطور که بخواهد رفتار می کند. در این آیه «ملک» به «دین» اضافه شده است و «یوم الدین» به معنی روز قیامت است، روزی که مردم پاداش اعمال خوب و بد خود را دریافت می کنند، زیرا در آن روز حقیقت پادشاهی و عدل و حکمت خداوندی، و افول پادشاهی آفریدگان برای خلائق روشن می گردد، تا جایی که در آن روز پادشاهان و رعایا و همه انسانها از حقوقی مساوی برخوردار می شوند و همه در برابر عظمت و شکوه الهی سر تسلیم فرود آورده و در انتظار مجازات او بسر می برند؛ امید پاداش از او

دارند و از عذاب او در هراسند. به همین خاطر خداوند بیان داشته که مالک روز جزا است و گرنه خداوند مالک روز قیامت و دیگر روزها است.

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» یعنی تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوییم، زیرا تقدم معمول مفید حصر، و اثبات حکم برای مذکور و نفی آن از غیر می باشد. پس یعنی تنها تو را می پرستیم و از عبادت غیر تو روی بر می تابیم. و از تو یاری طلبیده و از غیر تو یاری نمی جوییم.

و مقدم کردن «عبادت» بر «استعانت» از باب تقدیم عام بر خاص، و به خاطر اهتمام ورزیدن به حق خداوند متعال و مقدم داشتن آن بر حق بنده می باشد. «عبادت» مفهومی بسیار جامع و فراگیر دارد و همه اعمال و اقوال ظاهری و باطنی را که خداوند آن را دوست دارد و می پسندد، در بر می گیرد. «استعانت» نیز به معنی یاری جستن از خداوند و تکیه کردن بر او به منظور جلب منافع و دفع زیانها است، و اینکه آدمی اطمینان داشته باشد که با تکیه بر خدا می تواند به این مهم نایل آید.

انجام دادن عبادت برای خدا و یاری جستن از او، وسیله کسب سعادت ابدی و نجات از همه بدیها است. پس به جز این دو راه، راهی برای نجات وجود ندارد. و عبادت زمانی عبادت واقعی محسوب می شود که برگرفته از سنت و سیره پیامبر(ص) و هدف از انجام آن رضای خداوند باشد. پس هبر عملی که دارای این دو ویژگی باشد- خالصانه برای جلب رضایت خدا انجام شود و مطابق سنت رسول اکرم باشد- عبادت محسوب می شود. و استعانت را پس از عبادت ذکر نمود- با اینکه استعانت نیز بخشی از عبادت است- به خاطر اینکه بنده در انجام عبادت به یاری خداوند نیازمند است، زیرا اگر خداوند او را یاری نکند، نمی تواند اوامر را انجام دهد و از نواهی پرهیز کند.

«اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» یعنی ما را راهنمایی و هدایت فرما تا راه راست را بیابیم. راه راست راه روشنی است که انسان را به خدا و بهشت می رساند. راه راست عبادت است از شناخت حق و عمل به آن. پس ما را به راه راست عنایت فرما. پس هدایت به سوی راه راست یعنی تمسک به دین اسلام و روی گردانیدن از دیگر دین ها. هدایت به سوی راه راست به معنی رهنمود شدن به همه تفاسیل علمی و عملی دین است.

پس این دعا جامع ترین و مفیدترین دعا برای بنده است. بنابراین واجب است که در هر رکعتی از نماز خداوند را با این دعا خواند، چون بنده به این نیاز دارد. و این راه راست عبارت است از « صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ » راه کسانی که به آنها نعمت داده ای، از قبیل پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان.

«غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» نه راه کسانی که بر آنها خشم گرفته ای، آنهایی که حق را شناختند و به آن عمل نکردند مانند یهودیان و امثال آنها. «وَلَا الضَّالِّينَ» و نه راه گمراهان، همانهایی که به سبب نادانی و گمراهی از حق رویگردان شدند، مانند نصارا و امثال آنها.

این سوره با اینکه بسیار مختصر است اما در بر گیرنده مفاهیمی است که هیچ سوره ای از سوره های قرآن را در بر ندارد. این سوره توحید سه گانه را در برگرفته است، توحید ربوبیت که از «رَبُّ الْعَالَمِينَ» گرفته می شود، و توحید الوهیت که به معنی پرستش خداوند یکتا است از کلمه «الله» و «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» استنباط می شود، و توحید اسماء و صفات که به معنی باور داشتن به صفات کمال است که خداوند برای خویش ثابت نموده و پیامبر نیز (ص) بدون تعطیل و تشبیه و تمثیل آنها را برای پروردگار ثابت کرده است، از واژه «الْحَمْدُ» استنباط می شود. و اثبات نبوت از «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» گرفت می شود، زیرا هدایت یافتن به راه راست جز به کمک رسول و رسالت امکان ندارد. و اثبات روز جزا و ثواب و عقاب اخروی از «مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ» استنباط می گردد، زیرا دین به معنای پاداش عادلانه است.

و نیز این سوره قضا و قدر الهی را اثبات می کند، و نیز اینکه بنده فاعل حقیقی است، به خلاف پندار قدریه و جبریه که چنین اعتقادی ندارند. این سوره همچنین متضمن رد نظریات اهل بدعت و گمراهی است و این مطلب از «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» دریافت می شود، زیرا راه راست به معنی شناخت حق و عمل کردن به آن است، امری که هر بدعت گذار و گمراهی با آن مخالف است.

و نیز «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» متضمن آن است که عبودیت و بندگی باید خالصانه برای خدا صورت گیرد و فقط از بارگاه ایشان استعانت جست. پس سپاس خداوندی را که پروردگار جهانیان است.

پایان تفسیر سوره ی فاتحه

تفسیر سوره بقره

مدنی و ۲۸۶ آیه است.

آیه ۵-۱:

الم (۱) ذَلِكِ الْكِتَابُ لَأَرْبَبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ، الف . لام . میم . این کتابی است که هیچ شکی در آن نیست و راهنمای پرهیزگاران است.

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ، آن کسانی که به جهان پنهان باور دارند و نماز را برپا می دارند و از آنچه به آنها روزی داده ایم می بخشند.

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ، و آن کسانی که به آنچه بر تو فرو فرستاده شده است و به آنچه پیش از تو فرو فرستاده شده است باور داشته و به روز قیامت یقین دارند.

أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ، این چنین کسانی از جانب پروردگارشان از هدایتی (عظیم) برخوردارند و آنها رستگارانند.

پیش تر درباره «بسم الله الرحمن الرحيم» سخن گفته شد. «الم» جزو حروف مقطعه است. اما در مورد حروف مقطعه که در آغاز برخی از سوره ها آمده اند، بهتر است سکوت کنیم و (بدون در دست داشتن سند و مدرک شرع پسند) به بیان معانی آن نپردازیم، ضمن اینکه باید یقین داشت که خداوند این حروف را بیهوده نازل نکرده است، بلکه حکمت فراوانی در آن نهفته است ولی ما آن را نمی دانیم.

«ذَلِكِ الْكِتَابُ» یعنی این کتاب بزرگ کتابی حقیقی است و مشتمل بر دانشی گسترده و حقیقتی روشن می باشد که کتاب های گذشتگان و آیندگان از آن بی بهره بوده اند. پس « لَأَرْبَبَ فِيهِ » یعنی هیچ شکی در آن نیست، و نفی شک مستلزم ضد آن است و ضد شک، و نفی شک پس این کتاب مشتمل بر علم یقینی است که شک و گمان را از بین می برد. و این یک قاعده است که « هرگاه نفی به قصد مدح و ستایش بکار رفت باید متضمض ضد خویش که همان کمال است، باشد. زیرا نفی به مثابه عدم است، و عدم محض هیچ مدحی در آن نمی باشد.»

از آن جا که قرآن مشتمل بر یقین است و هدایت نیز جز با یقین حاصل نمی گردد، فرمود: « هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ » هدایت به معنی بینش و بصیرتی است که در پرتو آن

گمراهی و سردرگمی را تشخیص دهیم (و از آن دوری جوئیم) و راه های پرخیر و منفعت را در پیش بگیریم. و فرمود: « هُدًى » و معمول را حذف کرد، زیرا هدف از آن عموم است و اینکه قرآن هدایتی است برای دنیا و آخرت. پس این کتاب بندگان را در اصول و فروع راهنمایی کرده و حق را از باطل جدا می کند و صحیح را از خطا تمییز می دهد و چگونگی در پیش گرفتن راههایی که آنان را در دنیا و آخرت به سر منزل مقصود می رساند بیان می کند.

و در جایی دیگر فرموده است: « هُدًى لِلنَّاسِ » و به طور کلی و عام فرموده است قرآن عموم مردم را به سوی خیر راهنمایی می کند. اما در اینجا و جاهای دیگری فرموده است: « هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ » یعنی راهنمای پرهیزگاران است.

زیرا ذات قرآن برای همه مردم مایه هدایت است اما بدبختان به آن توجه نکرده و رهنموده الهی را نمی پذیرند. این کتاب حجت را بر آنها اقامه کرده است اما آنها به سبب شقاوت خود از آن بهره نمی گیرند. ولی پرهیزگاران؛ همان کسانی که بزرگترین سبب هدایت را که تقوا و پرهیزگاری است بدست آورده اند از آن بهره می گیرند. حقیقت تقوا و پرهیزگاری عبارت است از پیروی کردن از دستورات الهی و پرهیز از منهیات و محرمات، و در پیش گرفتن راه و شیوه ای که انسان را از ناخشنودی و عذاب به وسیله قرآن هدایت شده و از آن نهایت بهره را می برند. خداوند متعال می فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا » ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از خدا پروا دارید برای شما (قدرت) تشخیص (حق از باطل) قرار می دهد. پس این پرهیزگاران هستند که از آیات قرآنی و آیات آفرینش بهره می برند.

و از آن جا که هدایت بر دو نوع است: هدایت بیان و هدایت توفیق، پرهیزگاران از هر دو نوع هدایت برخوردار می شوند، اما دیگران از هدایت توفیق محروم می شوند، اما دیگران از هدایت توفیق محروم می مانند، و مسلّم است که هدایت بیان و روشن شدن راه بدون برخورداری از هدایت توفیق، هدایتی حقیقی و کامل نیست.

سپس به بیان اوصاف پرهیزگاران و عقاید و اعمال باطنی و ظاهری آنان پرداخت، زیرا پرهیزگاری متضمن تمامی این ویژگیهاست. بنابراین فرمود: « الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ » آنهایی که به جهان غیب باور دارند. ایمان یعنی تصدیق کامل آنچه پیامبران از آن خبر داده اند، تصدیقی که متضمن انقیاد اعضا و جوارح است. باور به